



آیا نظارت شورای نگهبان استصوابی است؟

در اصل ۹۹ قانون اساسی بیان شده است که شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را برعهده دارد. با توجه به مبهم بودن نحوه و نوع نظارت در این اصل و همچنین ابهام در محدوده گستره آن نسبت به تمام مراحل انتخابات و کلیه امور مربوط به آن، شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۸ به تفسیر این اصل پرداخته است. همچنان‌که می‌دانیم، به‌موجب اصل ۹۸ این قانون: «تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.»

به‌موجب تفسیر شورای نگهبان: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیدها می‌شود.»

شورای نگهبان نظارت استصوابی را تعریف نکرده است؛ ولی با توجه به مواد ۷۸ و ۱۳۳۷ و ۱۳۴۲ قانون مدنی و همچنین عملکرد شورای نگهبان در اعمال این نوع از نظارت، می‌توان گفت که منظور از نظارت استصوابی آن است که کلیه اعمال متولی انتخابات، زیر نظر مستقیم و با تصویب و تأیید مقام ناظر انجام شود؛ بنابراین انجام این اعمال بدون موافقت مقام ناظر، اعتبار ندارد؛ زیرا تمام امور انتخاباتی زیر نظر و با موافقت شورای نگهبان اعتبار می‌یابد.

در مورد نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری، بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مقرر می‌کند که صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در (اصل ۱۱۵) این قانون می‌آید، باید به‌تأیید شورای نگهبان برسد. با توجه به این اصل و تفسیر شورای نگهبان از مفاد اصل ۹۹ باید گفت که نظارت این شورا بر انتخابات ریاست جمهوری استصوابی است.

همچنین نسبت به نظارت این شورا بر انتخابات مجلس خبرگان، با توجه به ماده ۲ و تبصره ۱ قانون تعداد و شرایط خبرگان مصوب مجلس خبرگان رهبری و همچنین تفسیر اصل ۹ باید گفت که این نظارت، استصوابی است؛ زیرا رد و تأیید داوطلبان مستقیماً با شورای نگهبان است و تأیید و یا ابطال انتخابات خبرگان نیز به عهده این شورا می‌باشد.

در مورد نحوه نظارت این شورا بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی چنین می‌گوید: «نظارت برانتخابات مجلس به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است؛ لذا با توجه به این ماده و همچنین تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹، این نظارت نیز استصوابی است.

یکی از حقوق‌دانان معتقد است که آن‌چه از اول انقلاب وجود داشته

است، این است که قانون، نظارت شورای نگهبان را يك نظارت مؤثر دانسته است؛ یعنی باید از طرق مختلف از همه اقداماتی که در زمینه اجرا و برگزاری انتخابات انجام می‌شود، مطلع شود. وقتی که مطلع شد، می‌تواند به مجری انتخابات نسبت به رعایت قانون تذکر بدهد و مجری نیز باید عمل کند. وی می‌گوید: یکی از مواردی که در حیطه وظایف شورای نگهبان است، مسئله بررسی صلاحیت‌هاست.^۱

یکی دیگر از حقوق‌دانان در تأیید نظارت استصوابی چنین می‌گوید: «نظارت بر امر انتخابات، از يك جهت باید جنبه پیشگیری از وقوع تخلف را داشته باشد و از طرف دیگر، باید جنبه پیگیری و تعقیب در رفع و ابطال موارد تخلف را دارا باشد؛ لذا این نظارت تمام موارد و مراتب مربوط به لزوم صحت انتخابات و درستی نمایندگی و نمایندگان را شامل می‌شود. اعضای شورای نگهبان در جایگاه حقوقی و سیاسی برجسته‌ای قرار گرفته‌اند؛ لذا باید از آن‌چنان قدرت معنوی، اعتقادی بی‌طرفی برخوردار باشند که نسبت به مجموعه فعل و انفعالات سیاسی زیر نظر خود، جز طی طریق عدالت، عمل نکنند.»^۲

یکی از منتقدین و مخالفین نظارت استصوابی در مورد تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی چنین می‌گوید: «اصل، فاقد‌هرگونه اجمالی است؛ حال آن‌که تفسیر به‌طور کلی مجمل است! اصل به‌طور کلی نیاز به

معصوم، برای تصدی این امور منصوب می‌شوند و نیازهای دینی مردمان هر عصر را برآورده می‌سازند؛ چنانکه در توقیع مبارک امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌اش) می‌خوانیم که ایشان فرموده‌اند: «در زمینه حوادث و رویدادها، به رایوان حدیث ما مراجعه کنید؛ چراکه آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشان هستم.»^۱ اما وظیفه مردم نیز در اینجا همچنان که گذشت، آن است که به‌صورت مستقیم یا انتخاب خبرگان، مصداق مورد نظر شاعر را مشخص نمایند؛ ولی از آنجا که شناسایی و معرفی ولی‌فقیه واجد شرایط، نیازمند تخصص و آگاهی‌های لازم است، پس باید به متخصصان امر رجوع کنند تا از طریق آنان ولی‌فقیه واجد شرایط شناسایی و معرفی گردد. این اقدام در حقیقت براساس همان مبنای سیره عقلاست که در امور علمی و تخصصی زندگانی خویش، به متخصصان مربوطه مراجعه می‌کنند؛ بنابراین خبرگان رهبری در واقع کسی را شناسایی و معرفی می‌کند که واجد شرایطی باشد که شاعر مقدس، دارا بودن آن شرایط را برای حاکمیت بر مردم لازم شمرده است. در این صورت کار خبرگان یا مردم، مشروعیّت بخشیدن به ولی‌فقیه حاکم نیست که این کار نه در اختیار آنان، که مربوط به شاعر مقدس است؛ لذا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی می‌فرمودند: «ولایت فقیه چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد؛ ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است.»^۲ منبع: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه

• پی‌نوشت‌ها

- اخیراً یکی از سایت‌ها با انتشار نوشته‌ای در خصوص انتخابات خبرگان از سوی یکی از نویسندگان خارجی، ضمن اعتراض به نظریه نصب ولی توسط معصوم (علیه‌السلام) مدعی گردید: حکومت ولی‌فقیه در ایران با موافقت و گزینش مردم تعیین نمی‌شود تا جمهوری و قانونی باشد.(سایت گویانیوز، اسماعیل نوری علا پایان نومهی به‌نام جمهوریت قانونی حکومت اسلامی (۸۵/۹/۱)؛
- رک: ولایت فقیه آیت‌الله جوادی آملی، نشر اسراء ۱۳۷۸، ص ۳۹۱؛
- شیخ صدوق (علیه‌السلام)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، باب ۴۵، ص ۲۸۴، ۲۸۳، حدیث ۴؛
- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۱–۱۷۰

چرا انتخابات خبرگان رهبری مهم است؟



اختیاری و به‌دور از اجبار و اکراه یکی از گزینه‌های خارجی بدانیم، باید اذعان کنیم که فعلیت یافتن حاکمیت ولی‌فقیه در این روند، بدون هیچ اجبار و اکراهی و با نقش تعیین‌کننده مردم صورت گرفته است؛ چون به هر حال مردم به اختیار خود، خبرگان رهبری را برمی‌گزینند و خبرگان نیز با توجه به تخصصی که دارند، بدون هیچ جبر و اکراهی مطابق ضوابطی خاص، ولی‌فقیه واجد شرایط را شناسایی و معرفی می‌کنند؛ بنابراین آنچه که برخی از مخالفان سعی دارند، نظریه نصب را به مفهوم بی‌اثر بودن نقش مردم معرفی کنند، تلاشی عبث و بیبوده است؛ البته می‌توان برای انتخاب، مفهوم دیگری نیز تصور کرد و آن اینکه بگوییم مردم حق دارند، بدون توجه به ضوابط قانونی و شرعی، هرکس را که مایل بودند، انتخاب کنند؛ لکن این مفهوم برای کسانی که به نظام «جمهوری اسلامی» رأی داده و اصل ضرورت اسلامیت نظام و حاکمیت احکام شرعی

را پذیرفته‌اند، جایگاهی ندارد؛ زیرا چنین مردمی خود معتقدند که باید به انتخابی‌تن دهند که در چارچوب شرایط و ویژگی‌هایی باشد که شاعر مقدس، وجود آن شرایط را در حاکم یک جامعه اسلامی ضروری دانسته است. پس نکته اساسی در این زمینه این‌است که انتخاب مردم در جامعه اسلامی، در قلمروی ربوبیت تشریعی الهی صورت می‌گیرد؛ نه ربوبیت تکوینی؛ «یعنی نقش آنان در حاکمیت بخشیدن و فعلیت دادن به ولی‌فقیه و نظام اسلامی کاملاً مشخص و تعیین‌کننده است؛ چراکه اگر آنان نخواهند، عملاً حکومتی تشکیل نمی‌گردد و فقهی‌ه حاکم نمی‌شود. پس مردم با اختیار خود، به خبرگانی رأی می‌دهند که وظیفه آنان شناسایی و معرفی ولی‌فقیه جامع شرایط است؛ اما اینکه می‌گوییم، وظیفه خبرگان شناسایی و معرفی ولی‌فقیه جامع‌الشرایط است، به این معناست که در جامعه اسلامی بر خلاف نظام‌های غیردینی، ویژگی‌های یک حاکم

انتخابات خبرگان رهبری به‌لحاظ وظیفه‌خطیر و حساس مجلس خبرگان در شناسایی و معرفی ولی‌فقیه حاکم و نظارت بر بقای شرایط وی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ولایت فقیه به‌عنوان ستون و رکن اصلی نظام جمهوری اسلامی و استمرار جوهره دینی آن، همواره مورد هجومه ستکین دشمنان اسلام و انقلاب بوده است. حجم گسترده تبلیغات منفی دشمنان و شبهه‌پراکنی مخالفان این نظام علیه ولایت فقیه، حاکی از جایگاه رفیع آن در نظام و ترس دشمنان از قدرت تأثیرگذار آن در شکست توطئه‌ها و اهداف شوم بیگانگان علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی است. اشکال و اعتراض به نظریه نصب ولی‌فقیه توسط معصوم و ایجاد تردید در نقش مردم در قالب این عنوان که «مردم در نظام جمهوری اسلامی نقش تأثیرگذار ندارند»، این روزها به تبلیغات عادی و تکراری دشمنان علیه نظام تبدیل شده است. نگارنده در این مجال در صدد بازخوانی پرونده شبهات مربوط به ولایت فقیه نیست که این امر به خودی خود، مجال گسترده‌تری می‌طلبد؛ لکن با توجه به شرایط حساس این دوران، به یکی از شبهات مطرح‌شده در خصوص نقش خبرگان و انتخاب رهبری پرداخته و اختصاراً مطالبی پیرامون آن یادآور می‌شود.^۱ در ابتدا باید متذکر شویم، مهمترین نقش و کارویژه انتخابات خبرگان رهبری، وارد شدن به پروسه‌ای است که تحقق و استقرار حاکمیت نظام مبتنی بر ولایت فقیه به آن وابسته است؛ اما آنچه در این مقوله باید بیشتر به آن بپردازیم، تبیین نقش و مفهوم دو اصطلاح «نصب» و «انتخابات» در این پروسه است. مردم با شرکت در انتخابات خبرگان، متخصصینی را گزینش می‌کنند که وظیفه آنان، شناسایی و معرفی ولی‌فقیه جامع‌الشرایط می‌باشد. حال اگر «انتخاب» را به مفهوم کلی برگزیدن

رأی خری و رأی خواری

استاد جواد محدثی/ یادداشت انتخاباتی



انتخابات، برای کسانی «بازار» است. دنبال «سود» و پرکردن جیب‌اند!
• خریدن رأی، برای آنان که نیاز مبرم به آرای مردم دارند و به برخی مخازن و منابع «پول‌های کثیف» هم دسترسی دارند، کاری عادی شده است. اینان برای دوران «پسانتخابات» و تأمین آینده خود و وابستگان، نقشه‌ها دارند.

می‌کوشند، رأی مردم را با پیام‌های بازگانی جَذاب و شعارهای دهان‌پُرکن و وعده‌های فریبنده بخزند و جنس خریداری‌شده را هم به هیچ قیمتی پس نمی‌دهند.

اینان، مجلس شورا، یا شورای شهر و روستا را با پاساژ و بنگاه معاملاتی و دفتر تجارت و شرکت تولید و پخش اشتباه گرفته‌اند. تقصیر هم ندارند!

تاجر، همه‌جا، حتی مسجدها و حسینیه‌ها و مراسم دینی را «دکان» می‌بیند!

• «رأی خواری» هم، به‌نوعی شبیه «رأی خری» و «رأی‌فروشی» است. از زمین خواری و ساحل‌خواری و کوه‌خواری هم، سابقه ذهنی داریم. رأی خواری، یعنی چنگ انداختن به محدوده‌های غیرمجاز آراء، با تبلیغات غیرمجاز، اِعمال نفوذها، رانت‌های انتخاباتی، واسطه قرار دادن بعضی از موجهان و صاحبان نفوذ و اصحاب تریبون و رسانه، با استفاده از امکانات دولتی و بیت‌المال، برای تصفّ عدوانی آرای شهروندان.

البته اینها زنگ‌اند و آشنا به قوانین؛ برای محدوده‌های تصرف‌شده، سند و بنچاق هم درست می‌کنند تا «قانونی» شود.

در این میان، عده‌ای هم «رأی‌باز»‌اند و علاقه به مطرح شدن دارند؛

مثل کفتریاز و کتاب‌باز!

نام می‌نویسند، با آنکه فاقد صلاحیتند و با انتخابات، «بازی» می‌کنند.

«رأی‌ناز» هم آنانند که به تعداد آرای شان می‌نازند.

• رأی‌سوز» هم آنانند که رأی سفید یا رأی به امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌اش) و شهدا می‌دهند و بر تعداد آرای باطله می‌افزایند.

• بر این «فرهنگنامه آراء» می‌توانید مواردی هم بیفزایید.

خدا از آنان نگذرد که چهرهٔ کاندیداهای متعهد را می‌آلیند و نمایندگان صالح و دلسوز را هم بدنام می‌کنند.

آنان که انتخابات را به بازیچه می‌گیرند، روزی بازیچه دست روزگار شده و بی‌آبرو خواهند گشت!

آری!

در دست روزگار بود تازیانه‌ای!



تفسیر ندارد؛ درحالی‌که تفسیر خودش احتیاج به تفسیر دارد... با ملاحظه تفسیر شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی، بلافاصله این سؤال ایجاد می‌شود که نظارت استصوابی چیست؟ ... پس اولین ایرادی که به تفسیر شورای نگهبان وارد است، این است که قبل از این‌که تعریف کند، به صدور حکم پرداخته است.»^۱

در جواب این ایراد باید گفت: برخلاف نظر گوینده، اصل ۹۹ دارای اجمال است؛ زیرا نوع و محدوده اعمال نظارت را معین نکرده است و تفسیر این اصل فاقد هرگونه اجمالی است؛ زیرا تعریف نظارت استصوابی با توجه به متون فقهی و موادی که از قانون مدنی ارائه شد، مشخص است و ابهامی ندارد.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه

• پی‌نوشت‌ها

- نظارت استصوابی، به‌اهتمام روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت، انتشارات افکار، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲؛
- نظارت استصوابی، همان، ص ۱۱؛
- نظارت استصوابی، همان، مقاله دکتر محمد هاشمی، ص ۳۶–۳۴؛
- نظارت استصوابی، همان، مقاله دکتر محمد شریف، ص ۲۰.